

چرا مخالفان و براندازان -اپوزسیون در تمام طیف ها و رنگ هایش- به مرور زمان خود برافتاده و تحلیل رفته و همچنان بقایای آنان سردرگم و پریشان و بی انگیزه و بدون برنامه و استراتژی مانده اند؟

آرزومندان همچنان آرزومند!



عطاء | مهاجرانی در مطلبی که در آستانه چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی نوشته، خطاب به براندازان نکات جالبی را مطرح کرده است. به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از خبرآنلاین، وی نوشته است: در سوره ابراهیم داستان دو درخت، مطرح شده است، در حقیقت نگارگری دو درخت است. درختی پاک که ریشه هایش استوار و ژرف در دل زمین فرو رفته است و درختی نا پاک و سست واره که ریشه هایش رها بر خاک است و نه در خاک... آیا در این چهل سالگی عمر انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی می توانیم این تابلو و تمثیل قرآنی را برای تبیین انقلاب اسلامی و براندازان یا اپوزسیون به کار ببریم؟ هر کدام چه مختصاتی دارند؟ بر انقلاب و نیز اپوزسیون چهل سال گذشته است. اربعینی گذشت تا شراب به قول حافظ صاف شود. که صفایی ندهد آب تراب آلوده، شراب که جای خود دارد. چگونه به چهل سالگی رسیدیم؟! هر کدام از این دو بازیگر اصلی و حاشیه ای صحنه شطرنج سیاست و اجتماع در چه موقعیتی هستند؟ با زمان چه کرده اند و زمان با آنان چه کرده است؟ داریوش همایون (۱۳۰۷-۱۳۸۹) که نظریه پرداز شاخص و از پشتیبانان نظری و عملی نظام پادشاهی بود و زندگی اش آمیخته ای از کمدی و تراژدی -او در پیش از پیروزی انقلاب به عنوان عنصر نامطلوب و یا خائن به همراه هویدا و جمعی دیگر از مهره های اصلی نظام شاه توسط دولت نظامی ارتشید از هاری (۱۲۸۸-۱۳۸۰) در آبان ماه ۱۳۵۷ به زندان مرکز دژبان در پادگان جمشیدیه افتاد تا آبی باشد بر آتش انقلاب مردم. دولت از هاری مشتاق بود که جمعی از همان زندانیان از جمله همایون را اعدام کند. کسی که قائم مقام حزب رستاخیز و وزیر اطلاعات و جهانگردی دولت آموزگار و مهمتر از آن بنیان گذار روزنامه آیندگان بود در آستانه اعدام بود. منوچهر آزمون که خود برکشیده و بر نشانده هویدا بود، پیشنهاد اعدام هویدا و همایون را به شاه داده بود! اگر نبود تلاش وزیر دادگستری دولت نظامی از هاری، حسین نجفی، همایون را اعدام کرده بودند. یک سال و نیمی هم همایون زندگی مخفی در ایران داشت. با ریشی انبوه، کسی که از ریش و عرب و آخوند نفرت داشت، و با گرایش دینی و مذهبی ناسازگار، مجبور شده بود با چنان ریشی در خانه های امن و در خلوت خود با خیالی پریشان و نگاهی شکسته سرکرده و در اندیشه گریز بود. این بخش تراژیک زندگی او بود. بقیه عمرش صرف نظریه پردازی برای بازگشت وارث پادشاهی شد؛ این هم آمیزه ای از کمدی و تراژدی. گویی او نمی دانست که با تخم مرغ می شود املت درست کرد اما کسی تا به حال در تاریخ طبیعی و یا هنر مستطاب آشپزی با املت تخم مرغ درست نکرده است. در همه کشورها و یا انقلاب هایی که نظام پادشاهی برافتاده است، نمونه ای سراغ نداریم که نظام سلطنتی بازگشته باشد. بدیهی بود که تلاش نا به هنگامانه او عقیم ماند، هم به لحاظ نظری و هم به عنوان برنامه کاری. داریوش همایون در چهار سالگی انقلاب، در سال ۱۳۶۲ نوشته است: «رژیم جمهوری اسلامی چهارمین سالش را پشت سر نهاده است. در ماه ها و سال های نخستین، اکثریتی از مخالفان به این رژیم چهار سال نمی دادند.» (داریوش همایون، نگاه از بیرون، ص ۸۴) نمی دانم از آن اکثریت مورد نظر همایون چند در صدشان باقی و برجای مانده اند تا در این ایام چهل سالگی انقلاب را ببینند. داریوش همایون - در گذشته در بهمن ماه سال ۱۳۸۹- خود از جمله رفتگانی ست که مجال نیافت تا این مقطع و مرحله زمانی، بهمن ماه ۱۳۹۷ را ببیند و داوری کند. در بهار سال ۱۳۸۸ در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، به برلین دعوت شده بودم تا به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری در جمع فعالان سیاسی که معمولاً از گروه های چپ بودند، از طیف ها و الوان مختلف، گفتم: « ندیده های ندیده های شما هم سقوط جمهوری اسلامی را نخواهند دید! » این جمله بر برخی حاضران گران آمده بود. گفتم چنان که می دانید رشته تخصصی من تاریخ و تجربه ام اشتغال در سیاست و دلبستگی ام اندیشیدن در قلمرو فرهنگ و ادبیات و سیاست است. این سخن را با تامل گفتم. مدتی پیش نیز در مناظره ماندنی که با حسن شریعتمداری در برنامه شصت دقیقه بی بی سی داشتم به ایشان گفتم: خواهیم دید که ده سال دیگر جمهوری اسلامی همچنان پا برجای است و آرزومندان همچنان آرزومند! ایشان در پاسخ این بیت را خواند که: یا وفا یا خیر وصل تو یا مرگ رقیب بود آیا که فلک زین دو سه کاری بکند چنان که پیداست همین بیت حافظ نیز بیان آرزوی آرزومندان یا آرزومندانه است! پرسش اصلی این است که: یکم: عوامل، علل و نیز دلایل ماندگاری، استقرار و

استحکام جمهوری اسلامی چیست و از کجاست؟ دوم: چرا مخالفان و براندازان -اپوزسیون در تمام طیف ها و رنگ هایش- به مرور زمان خود برافتاده و تحلیل رفته و همچنان بقایای آنان سردرگم و پریشان و بی انگیزه و بدون برنامه و استراتژی مانده اند؟

برچسب ها: [ایران](#) [1]

[انقلاب](#) [2]

[براندازی](#) [3]

---